Received: 2025/03/09
Accepted: 2025/04/15

Praise and satire: The Chronogram of the Heydariyeh Caravanserai in Dehbid

Mohammad Sadegh Mirzaabolghasemi[1]

Abstract

This article examines the historical contexts surrounding the utilization of a chronogram (māddeh-tārīkh) commemorating the construction of a caravanserai along the Shiraz-Isfahan route during the Qajar period. Situated in Dehbid, Fars Province, this edifice is referenced in historical texts as either "Heydarieh" or "Ezz al-Molk," although it is presently predominantly identified as the Dehbid Caravanserai. This caravanserai was built by Haji Mirza Agha Khan-e Ezz al-Molk (d. 1330 AH / 1912 AC) on the site of a ruined Safavid caravanserai structure that had remained in the area. Haji Mirza Agha Khan Ezz al-Molk, son of Haji Mirza Mahdi Khan (d. 1271 AH / 1855 AC), belonged to the Qavam al-Molk Shirazi family. According to oral traditions, his unsuccessful and incomplete pilgrimage to Karbala became the impetus for constructing this caravanserai. The Dehbid Caravanserai follows a four-iwan plan, with its core structure built of brick. The northern, southern, and eastern facades each contain six chambers, while the western facade features eight. The entrance is located on the eastern side, flanked by two short circular towers at its corners—one constructed of stone and the other of brick.

The construction of this caravanserai was ostensibly completed in 1324 AH (1906 AD), prompting several Shirazi poets, including Mohammad Hossein Shoaʿ Shirazi (Shoaʿ al-Molk), to compose chronograms for the occasion. Shoaʿ's chronogram is exceptional for its dual nature, combining praise (madh) and satire (hajv) directed at the patron. The extant correspondence of Shoaʿ al-Molk references this literary duality, offering insights pertinent to Iran's cultural and architectural history. This article utilizes primary historical sources, particularly the manuscripts of Mohammad Hossein Shoaʿ Shirazi, and employs a historical and analytical research methodology integrating library-based and field studies. The Dehbid Caravanserai is registered as a National Heritage Site of Iran under No. 4540.

The historical date of the Heydariyeh Caravanserai in Dehbid is recorded as Moharram 1324 AH (January 1906 AD) in its inscription, yet it bears the name of Mohammad Ali Shah Qajar, who ascended the throne on 24 Dhu al-Qiʿdah 1324 AH (December 1906). This discrepancy confirms the inscription could not have been created prior to his accession. The chronogram on the inscription also corresponds to this year and was composed by Mirza Abbas Sahab Tehrani (Muayid al-Shuʿara).

Evidence suggests Mirza Agha Khan Ezz al-Molk, the patron, commissioned multiple poets - including Heydar Ali Nava and Mohammad Hossein Shoaʿ al-Molk - to draft chronograms for the caravanserai. Shoaʿ al-Molk's proposed chronogram equates to 1325 AH (1907 AD), and his correspondence with Ezz al-Molk and Mohammad Kazem Khan Muayid al-Sultan in early 1325 AH (1907 AD) reveals discussions about the caravanserai's name, verse count, and the inclusion of Mohammad Ali Shah's title. However, his verses demonstrate no awareness of the name or precise construction date.

Despite attempting to defend his chronogram by critiquing others' work Shoaʿ al-Molk failed to secure the patron's approval. This failure stemmed primarily from his negligence in timely composition and submission, as acknowledged in his munshaʾāt (epistolary writings). His subsequent, satirically styled chronogram reflects his frustration over this rejection.

Keywords: Heydariyeh Caravanserai, Chronogram, Inscription, Mohammad Hossein Shoaʿ Shirazi, Dehbid (Fars), Qajar Era

1. Associate Professor, Faculty of Art and Architect, Shiraz University, Shiraz, Iran.
abolqasemi.s@gmail.com

How to Cite This Article: Mirzaabolghasemi, Mohammad Sadegh (2025). "Praise and satire: The Chronogram of the Heydariyeh Caravanserai in Dehbid". *Golestan – e Honar*. 9(28): pp 47- 60.

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/9.2.11]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

مدح و قدح: ماده‌تاریخ کاروانسرای حیدریهٔ دهبید

محمدصادق میرزاابوالقاسمی[۱]

چکیده

موضوع این مقاله بررسی زمینه‌های تاریخی و فرهنگی تطبع ماده‌تاریخ ساخت کاروانسرای حیدریهٔ دهبید در استان فارس است. این کاروانسرا را حاجی میرزا آقاخان عزالملک (د ۱۳۳۰ق) بر جای کاروانسرای مخروبه‌ای ساخت که از دورهٔ صفوی در این منطقه باقی مانده بود. ظاهراً ساخت و پرداخت این کاروانسرا در ۱۳۲٤ق تمام شده است و به این بهانه برخی از شعرای شیراز برای آن ماده‌تاریخ گفته‌اند. محمدحسین شعاع شیرازی ازجملهٔ این شعرا بوده است. ماده‌تاریخ او از این‌جهت استثناست که هم به‌طریق مدح و هم قدح (ذم) بانی گفته شده است. در اسناد و منشات موجود از او به این موضوع اشاره‌هایی است که می‌تواند از منظر تاریخ فرهنگی معماری ایران شایان توجه باشد. بر این اساس، موضوع این مقاله با تکیه بر گزارش‌های دست اول تاریخی، خصوصاً دست‌نوشته‌های محمدحسین شعاع شیرازی، نوشته شده است. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی و تحلیلی، و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است.

بنا بر این بررسی، در کتیبهٔ احداثی کاروانسرای حیدریهٔ دهبید ماده‌تاریخ میرزا عباس سحاب تهرانی، ملقب به مویدالشعرا، درج شده است. در این کتیبه تاریخ بنای کاروانسرا «محرم ۱۳۲٤ق» نوشته شده، اما نام محمدعلی‌شاه بر آن رفته است. بنابراین این کتیبه نمی‌تواند پیش از جلوس محمدعلی‌شاه (۲٤ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲٤ق) نوشته شده باشد. ماده‌تاریخ روی کتیبهٔ احداثی نیز همین سال را نشان می‌دهد، اما ماده‌تاریخ پیشنهادی محمدحسین شعاع‌الملک با ۱۳۲۵ق برابر می‌شود. او ماده‌تاریخ کاروانسرای حیدریه را، با اندکی تعلل، در اول یا دوم محرم این سال سروده است و احتمالاً از همین رو بانی کاروانسرا بدان توجهی نشان نداده است. این موضوع شعاع‌الملک را بر آن داشته تا، در دفاع از خود، ماده‌تاریخ‌های پیشنهادی دیگران را نقد و نفی کند. ماده‌تاریخ دوم او، که با چاشنی قدح گفته شده، نتیجهٔ ناکامی در این پیگیری است.

کلیدواژه‌ها: کاروانسرای حیدریه، ماده‌تاریخ، کتیبهٔ احداثی، محمدحسین شعاع‌الملک، دهبید فارس، دورهٔ قاجار

۱. دانشیار دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. abolqasemi.s@gmail.com

ارجاع به مقاله: میرزاابوالقاسمی، محمدصادق (۱٤۰۳). «مدح و قدح: ماده‌تاریخ کاروانسرای حیدریهٔ دهبید». *گلستان هنر*، ۹(۲۸): صص ٤۷-٦۰.

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/9.2.11]

مقدمه

ماده‌تاریخ از انواع تعمیه در ادب فارسی است. در این صنعت ادبی تاریخ یک رویداد (معمولاً سال) از عدد به حروف بدل می‌شود و در قالب یک کلمه یا عبارت بیان می‌گردد. قدر عددی حروف جُمل (ابجد) معیار این محاسبه است. ماده‌تاریخ از شیوه‌های رایج ضبط تاریخ معماری نیز هست و دست‌کم از قرن ششم سابقه دارد. با این حال، تطبع ماده‌تاریخ با موضوع معماری در ایران از دورهٔ صفوی افزایش چشمگیری یافته است (نک: نخجوانی، ۱۳٤۳: ۵۲۵–۷۲٤). این موضوع با استقبال از تفنن در علوم ادبی و گسترش تعمیه‌گویی در این دوران بی‌ارتباط نیست.

به‌طور کلی، در مبتدای ماده‌تاریخ‌های معماری از بانی اثر سخن می‌رود، و گاهی به پادشاه یا حاکم محلی وقت اشاره می‌شود. اشاره به خصوصیات بنا نیز با وصف‌های اغراق‌آمیز همراه است. ساختن ماده‌تاریخ معمولاً با پایان کار معماری و بهره‌برداری از بنا مصادف می‌شود. با این حساب، ماده‌تاریخ‌های معماری به چکامهٔ افتتاح بنا می‌مانند. از این منظومه‌ها در کتیبهٔ احداثی بناها نیز استفاده شده است. مستمسک برای گفتن ماده‌تاریخ در معماری متنوع است؛ ممکن است افراشتن بنا یا جزئی از آن موضوع ماده‌تاریخ باشد. تعمیر کلی یا جزئی بنا نیز می‌تواند بهانهٔ این موضوع شود. گاهی حتی ویرانی دست‌مایهٔ تطبع ماده‌تاریخ بوده است.

پدیدهٔ ماده‌تاریخ در مطالعات تاریخ معماری ایران غنیمت است. در منابع مکتوب تاریخی گاه از ثبت اطلاعات ابتدایی یک بنای شاخص دریغ شده است. اسناد مکتوب بناها، مثل کتیبه‌های احداثی یا اوراق ملکی و شرعی نیز در بیشتر موارد در دسترس نیست یا از بین رفته است. گاه از خود بنا نیز اثری نمانده است. بر این اساس، سال دقیق ساخت بسیاری از بناهای تاریخی بر ما نامعلوم مانده است. محققان در این تنگنا با اتکا به شواهد ثانوی به حدس‌وگمان پناه می‌برند و به تاریخ‌های تقریبی بسنده می‌کنند. چه‌بسا، یافتن ماده‌تاریخ یک بنا در جُنگ یا منشآتی ادبی پنبهٔ گمان‌ها و تفسیرها از تاریخ معماری آن بنا را بزند و قصه را دیگرگون کند.

در مطالعات تاریخ معماری ایران معمولاً به‌صورت موردی به ماده‌تاریخ اشاره شده است. به‌عبارتی، در خلال بحث از تاریخ یک بنای شاخص، ممکن است از ماده‌تاریخ احتمالی آن نیز یاد شود. ماده‌تاریخ معماری در گام نخست به نام‌ونشان بانی و تاریخ معماری (سال پایان ساخت بنا) تصریح می‌کند. توقع از ماده‌تاریخ در مطالعات تاریخ معماری ایران نیز بیش از این نبوده است. با این حال، موضوع این مقاله بررسی زمینه‌های تطبع ماده‌تاریخ یک بناست. این بنا کاروانسرایی قاجاری است که در دهبید فارس، از منزلگاه‌های اصلی راه قافله‌رو شیراز–اصفهان، قرار گرفته است و بیشتر با عنوان کاروانسرای دهبید شناخته می‌شود. در منابع مکتوب تاریخی از این کاروانسرای نوبنیاد با عناوین «حیدریه» یا «عزالملک» یاد می‌شود (نک: منشی‌زادهٔ یزدی، ۱۳۷۱ :۱۵؛ شعاع شیرازی، *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی)، ش ۳۰۳). هیچ‌کدام از این نام‌ها امروز شهرت ندارد. کاروانسرای دهبید با شماره ٤٥٤۰ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/9.2.11]

هدف از این مقاله تشریح ابعاد تاریخی و فرهنگی سرودن ماده‌تاریخ کاروانسرای حیدریهٔ دهبید با تکیه بر اسناد و گزارش‌های دست اول تاریخی، خصوصاً دست‌نوشته‌های محمدحسین شعاع شیرازی، است. محمدحسین شعاع ازجمله شاعرانی است که برای این کاروانسرا ماده‌تاریخ ساخته است. ماده‌تاریخ او از این‌جهت استثناست که هم به‌طریق مدح و هم قدح (ذم) بانی گفته شده است. این موضوع همچنین می‌تواند موجب شناخت برخی از موارد زمینه‌ای در رویکرد بانیان و رقابت شاعران در گفتن ماده‌تاریخ معماری شود. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی و تحلیلی است، و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است.

کاروانسرای حیدریه

بر اساس شواهد تاریخی، دهبید دست‌کم از سدهٔ چهارم هجری جزو منازل اصلی راه شیراز ـ اصفهان بوده است. این راه حدفاصل اصطخر تا ایزدخواست دو شاخه می‌شد و باز به یکدیگر می‌پیوست. دهبید در شاخهٔ شرقی این راه، موسوم به راه زمستانه قرار می‌گرفت (نک: ابن بلخی، ۱۳۷٤: ۳۸۱؛ اصطخری، ۱۳٤۰: ۱۱۵؛ شوارتس، ۱۳۸۲: ۲۳۱–۲۳۲). می‌دانیم که در دورهٔ صفوی کاروانسراهای متعددی بر سر منازل راه شیراز ـ اصفهان بنا گذاشته یا تعمیر شد. بیشتر این کاروانسراها به دورهٔ حکومت شاه عباس نسبت داده می‌شود و حتی برخی به «شاه‌عباسی» مشهور است. یکی از این کاروانسراها در دهبید قرار داشت. گزارش‌هایی که مسافران تا پیش از ۱۳۲٤ق از اقامت در کاروانسرای دهبید می‌دهند ناظر به این بنای صفوی است (مثلاً نک: سیاح، ۱۳۵٦: ۲۹؛ سدیدالسلطنهٔ مینابی بندرعباسی، ۱٤۰۰: ٥٦–۵۷؛ *دو سفرنامه از جنوب ایران*، ۱۳۷۷: ۳۵، ۲۰۰؛ منشی، ۱۳۸۹: ٤۲). کاروانسرای صفوی دهبید به‌کلی ویران شده، اما نقشه‌ای از آن در دسترس است. این نقشه را چالز تکسیر (۱۸۰۲–۱۸۷۱م)، معمار و باستان‌شناس فرانسوی، در ۱۲۵۵ق کشیده است (Texier, 1852: 547).[1] طبق این نقشه کاروانسرای صفوی دهبید از کاروانسراهای هشت‌ضلعی با الگوی چهارایوانی بوده است. ماکسیم سیرو با استناد به نقشهٔ مذکور حدس زده که کاروانسرای دهبید با کاروانسراهای امین‌آباد و خان‌خوره از یک دوره، بلکه یک معمار، باشد (سیرو، ۱۳۲۸: ۱۳۷). این کاروانسراها نیز بر سر راه کاروانی شیراز ـ اصفهان قرار گرفته است. می‌دانیم که سنگ‌بنای کاروانسرای امین‌آباد به الله‌وردی‌خان و امامقلی‌خان، حاکمان فارس در دورهٔ شاه عباس صفوی، منسوب است (میرزاابوالقاسمی، ۱٤۰۳: ۱٦–۱۷). از قضا، صاحب *هدایه السبیل* (تألیف ۱۳۱۰ق) نیز کتیبهٔ احداثی کاروانسرای صفوی دهبید را خوانده است.[2] بنا بر این گزارش، کاروانسرای صفوی دهبید در ۹۷۲ق به سرکاری شاه ولی سلطان تاتی اغلی ذوالقدر بنا شده است.[3] محمدعلی میرزای منشی، از فرط خرابی و کثیفی کاروانسراهای صفوی در این حدود، اظهار امیدواری کرده بلکه یکی از متمولین فارس بانی ساخت کاروانسرایی تازه شود (منشی، ۱۳۸۹: ٤۱–٤۲). مدت کوتاهی پس از این اظهار نظر، حاجی میرزا آقاخان عزالملک (د ۱۳۳۰ق) سنگ بنای کاروانسرایی را در دهبید گذاشته است.

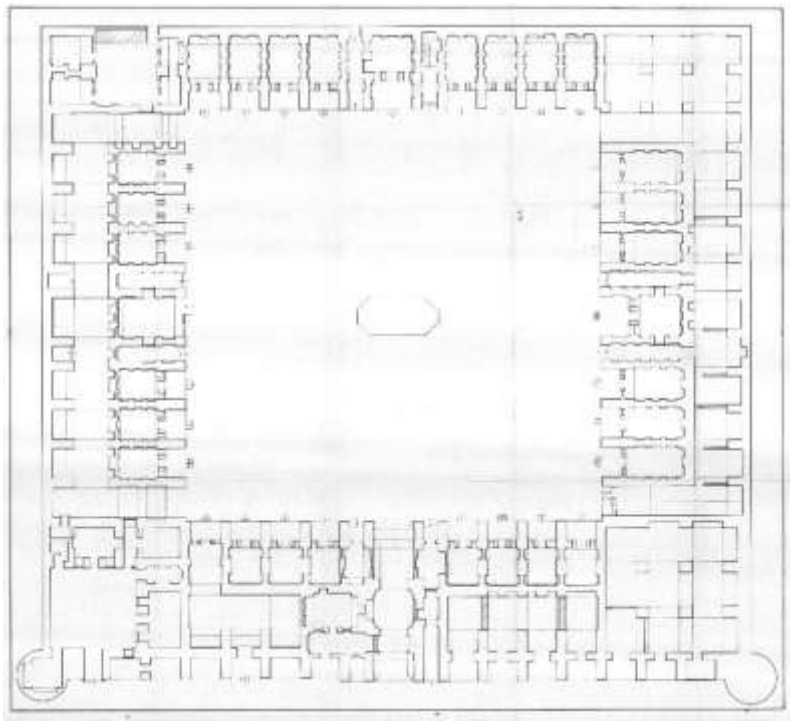
حاجی میرزا آقاخان عزالملک، فرزند حاجی میرزا مهدی‌خان (د ۱۲۷۱ق)، از خاندان قوام‌الملک شیرازی بود. صاحب *فارسنامهٔ ناصری* او را از اخلاف محمدعلی‌خان، فرزند پنجم حاجی هاشم شیرازی، دانسته است (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۹۷۰/۲). نام اصلی او حیدرعلی بود و این نام را از پدربزرگش به ارث داشت. حاجی میرزا آقاخان عزالملک مدتی رئیس‌التجار فارس بود، اما بیشتر به‌واسطهٔ کارگزاری امور دولت‌های خارجی، خصوصاً روسیه، در فارس

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/9.2.11]

شناخته می‌شد (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۰۶/۲؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۹۷۰/۲). او در بیرون دروازهٔ باغ شاه شیراز باغی داشت که به «باغ میرزا آقاخان» مشهور بود (آریانپور، ۱۳٦۵: ۱۸۷؛ فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۸۳۹/۲–۸٤۳). مدرسهٔ ناظمیه و مریض‌خانهٔ حیدریه از دیگر ماثر او در شیراز بود (نک: یزدان‌پناه، ۱۳٤۲: ۹؛ امداد، ۱۳۸۵: ۳۲۱؛ رضائی، ۱۳۸۲: ۱۷–۲۰).

بنا بر روایات محلی، سفر ناموفق و ناتمام حاجی میرزا آقاخان عزالملک به کربلا بهانهٔ ساخت این کاروانسرا شده است. گویا او برای زیارت عتبات ـ به‌علت ناامنی راه‌های فارس ـ مسیر اصفهان را در پیش می‌گیرد، اما کاروانش در دهبید برف‌گیر می‌شود و ناچار باز می‌گردد. نبود اقامتگاه مناسب در دهبید علت اصلی عدم توفیق حاجی میرزا آقاخان عزالملک در این سفر عنوان شده است. از این رو، او تصمیم می‌گیرد تا در اراضی کاروانسرای نیمه‌ویران صفوی بنایی تازه بگذارد (امینی، ۱۳۹۵). به‌عبارتی، بقایای کاروانسرای صفوی دهبید بر اثر ساخت کاروانسرای نوبنیاد حاجی میرزا آقاخان عزالملک از بین رفته است.[٤]

کاروانسرای حیدریهٔ دهبید چهارایوانی است و هر چهار ایوان آن با طاق تیزه‌دار بسته شده است. از این میان، ساختار اجزای معماری اضلاع شمالی و جنوبی قرینه به‌نظر می‌رسد. هر کدام از این اضلاع شش حجرهٔ اصلی دارد. چسبیده به پایهٔ ایوان‌ها نیز دو راهرو (حجره کوچک) دیده می‌شود. این راهروها به ایوان‌ها راه داشته است. اسطبل‌های اصلی کاروانسرا نیز پشت حجره‌های همین اضلاع قرار گرفته است. تعداد حجره‌های ضلع شرقی کاروانسرا نیز با اضلاع شمالی و جنوبی برابری می‌کند، اما تأسیسات پشت حجره‌های آن، به‌واسطهٔ استقرار دستگاه ورودی، متفاوت به‌نظر می‌رسد. ضلع غربی نیز هشت حجره دارد و پشت حجره‌ها بسته است. اساس ساختمان این کاروانسرا از آجر بنا شده است (تصویر۱).



تصویر۱. پلان کاروانسرای حیدریهٔ فارس. تاریخ ساخت ۱۳۲۴ق.
ماخذ: ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری، و صنایع دستی فارس

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/9.2.11]



تصویر۲. نمای سردر کاروانسرای حیدریهٔ فارس. تاریخ ساخت ۱۳۲۴ق

همان‌طور که اشاره شد، دستگاه ورودی کاروانسرای حیدریهٔ دهبید در ضلع شرقی افتاده است. درواقع، ایوان ضلع شرقی راهروِ دسترس به بیرون کاروانسراست. در میان این راهرو یک هشتی تعبیه شده و با رسمی‌بندی مختصری تزئین گردیده است. پایه‌ها و لچکی پیشانی طاق تیزه‌دار سردر نیز تزئینات آجرتراش دارد. دیوار بیرونی این ضلع از کاروانسرا امروز سرِ خیابان افتاده و در آن تصرف شده است. با این‌حال، همچنان می‌توان وضع اصیل دیوار را تصور کرد. در گوشه‌های این ضلع دو برج مدور کوتاه نیز دیده می‌شود که یکی از سنگ و دیگری از آجر است (تصویر۲).

کتیبهٔ احداثی

کتیبهٔ احداثی کاروانسرای حیدریه با قلم نستعلیق نوشته شده و در سنگ حک شده است (تصویر۳). این کتیبه، که تنها کتیبهٔ کاروانسراست، بر صدر سردر قرار گرفته و متن آن چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله والتوفیق من الله. در عهد سلطان اعظم محمدعلی‌شاه ـ خلد الله ملکه ـ بنای این سرای رفیع نمود جناب اجل الحاج حیدرعلیخان عزالملک، فی تاریخ محرم ۱۳۲٤، به‌سعی حاج محمدباقر معمار، تمنای طلب مغفرت دارم.

بنا شد ایـن ربـاط حیدریـه
بعون حضـرت خیـر وآلـه
بتـــاریخ بنـــای او مؤیـــد
چنین گفتا به بیـت آخریـه
بعزالملک عزّ و جاه در دهر
بیفزود ایـن ربـاط حیدریـه

کتبه علی اکبر»

ابیات ماده‌تاریخ این کتیبه از میرزا عباس سحاب تهرانی، متخلص به «مؤید» و ملقب به «مؤیدالشعرا» و «خاتم‌الشعرا» است. دربارهٔ او همین‌قدر می‌دانیم که اصالتاً اهل فارس بود، اما در تهران نشو و نما کرد. او سال‌ها در شیراز زیست و به هندوستان سفر کرد و

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/9.2.11]



تصویر ۳. کتیبهٔ احداثی سردر کاروانسرای حیدریهٔ فارس. تاریخ ساخت ۱۳۲۴ق

سرانجام در بیست‌وهشتم ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ق در غربت وفات یافت. او قصیده خوب می‌گفت و به‌قولی شعر را بهتر از نظم می‌سرود (شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۱۸؛ عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۵۷۵/۱). از توصیه‌نامه‌ای که علی بن ابوالحسن موسوی، ملقب به سلطان العلما، در حیدرآباد دکن برای مویدالشعرا نوشته است نیز چنین بر می‌آید که او در هندوستان مورد توجه و حمایت راجه کشن پرشاد متخلص به شاد مدار المهام، وزیر میر محبوب‌علی‌خان صدیقی بیافندی ششمین نظام حیدرآباد دکن (۱۲۸۵–۱۳۲۸ق)، بوده است. این نامه تاریخ ندارد، اما در آن از مؤیدالشعرا با القاب و عبارات تمجیدآمیز یاد می‌شود. گویا او مکنّی به «ابوالفضل» بود و، علاوه بر طبع شعر، صدای خوشی نیز داشت.[۵]

شعاع‌الملک جزو معدود تذکره‌نویسانی است که از مؤیدالشعرا یاد کرده است. او در نامه‌ای،

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/9.2.11]

که به فرصت‌الدوله نوشت، مویدالشعرا را مأنوس غلامحسین غفاری کاشانی، مشهور به وزیر مخصوص، دانسته است (شعاع شیرازی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۳۰۰). غلامحسین غفاری کاشانی پس از تحصن و اعتصاب مردم شیراز بر علیه شعاع‌السلطنه به فارس مأمور شد و مدت کوتاهی (شوال ۱۳۲۳ ـ ربیع‌الثانی ۱۳۲٤ق) زمام امور را در دست داشت (نک: نصیری طیبی، ۱۳۸٦: ۹-۱۰؛ شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۲۰؛ امداد، ۱۳۸۷: ٤۲٦-٤۳۷). نامهٔ شعاع‌الملک به‌احتمال بلافاصله از خلع او نوشته شده است. شعاع‌الملک در این نامه می‌گوید از وقتی وزیرمخصوص به شیراز آمد همهٔ شاعران و مادحان محروم شدند، الا مویدالشعرا که برات دویست تومانی نقد می‌کرد (شعاع شیرازی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۳۰۰). او در *تذکرهٔ شعاعیه* نیز به‌طعن می‌گوید مویدالشعرا «طریق اخاذی را بلد و مادح هر نیک و بد» است (شعاع شیرازی،۱۳۸۰: ۲۱۷). بیشتر اشعار دیوان‌های خطی در دسترس مؤیدالشعرا مدحیه است. مدح‌های متعدد او از وزیر مخصوص در این نسخه‌ها می‌تواند ناظر به گفته‌های شعاع‌الملک باشد. مؤیدالشعرا برخی از خاندان قوام‌الملک را نیز مدح گفته است. چند ماده‌تاریخ معماری نیز در دیوان او ضبط شده است، اما شامل ماده‌تاریخ کاروانسرای حیدریه نمی‌شود.[٦]

ماده‌تاریخ محمدحسین شعاع‌الملک

محمدحسین شعاع شیرازی (۱۲۸۹-۱۳٦۳ق)، ملقب به شعاع‌الملک، از شاعران مطرح شیراز در سدهٔ چهاردهم هجری بود. او در انواع قالب‌های شعری طبع‌آزمایی می‌کرد، اما در قصیده‌سرایی شهرت بیشتری داشت. قصیده‌های شعاع‌الملک بیشتر مدحیه است. او بسیاری از رجال وقت فارس را مدح گفته است. شعاع‌الملک هجو و هزل نیز می‌گفت و ازقضا برخی ممدوحان خود را هجو کرده است. تذکره‌های *شکرستان فارس* و *شعاعیه* و *اشعهٔ شعاعیه* از مهم‌ترین آثار مکتوب اوست. موضوع این تذکره‌ها معرفی و گردآوری اشعار منتخب شعرای فارس است. ظاهراً او در اواخر عمر به تدوین دیوان اشعار خویش نیز پرداخت. دیوان او بالغ بر سی هزار بیت تخمین زده شده که اغراق‌آمیز به‌نظر می‌رسد.[۷] بخش مهمی از این دیوان، که در شش دفتر در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، شامل ماده‌تاریخ است. ماده‌تاریخ‌های شعاع بیشتر ناظر به حوزهٔ تاریخی و جغرافیایی فارس است.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، شعاع به‌مناسبت بنای کاروانسرای حیدریهٔ دهبید نیز ماده‌تاریخی ساخته است. این ماده‌تاریخ در سه دفتر از دیوان شعاع با متنی مشابه تکرار شده است[۸] و شامل هفت بیت در قالب قطعه و وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن می‌شود:

تعالی الله از این عالی بنای محکم متقن
که از رفعت به چرخ چارمین همدوش و همتا شد
یکی صحرای وحشت‌خیز بود از پیش و در این دم
پرآسایش سرایی کاروانان را به صحرا شد
امیر معدلت‌خو[۹] حاج عزالملک روشن‌دل
که خورشید فلک پیش رخش حیران چو حربا شد
ز جیب جود بیرون کرد دست همت فطری
ز رفعت این سرا را از ثری سر بر ثریا شد
در این صحرای سرماخیز گرمازا به هر فصلی
بنایش عابرین را حافظ از سرما و گرما شد

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/9.2.11]

شعاع از بهر تـاریخش چـو مـأمور آمـد از بـانی
فرو در بحر فکـرت همچـو غواصـان دریـا شـد
به پیش آورد پس پای از سرای و این‌چنـین گفتـا
«به ده‌بید این سرای از امر عزّ الملک برپـا شـد»

در دفاتر *دیوان اشعار* شعاع‌الملک معدودی از مکاتبات او نیز ثبت و ضبط شده است. دست‌کم، چهار نامه از این منشات دربارهٔ سرودن ماده‌تاریخ کاروانسرای حیدریه است. این نامه‌ها در فاصلهٔ اول تا بیستم محرم ۱۳۲۵ق، خطاب به حاجی میرزا آقاخان عزالملک و محمدکاظم‌خان مویدالسلطان نوشته شده است.[۱۰] ظاهراً سفارش ماده‌تاریخ اتمام بنای کاروانسرای حیدریه باواسطهٔ محمدکاظم‌خان مویدالسلطان به شعاع‌الملک سپرده شده بود. در ابیات بالا نیز تلویحاً اذعان می‌شود که حاجی میرزا آقاخان عزالملک سرودن ماده‌تاریخ این کاروانسرا را به شعاع‌الملک سفارش کرده است. نامهٔ نخست شعاع‌الملک پیش از سرودن ماده‌تاریخ نوشته شده است. او در این نامه از محمدکاظم‌خان مویدالسلطان سه سوال پرسیده است: یکی اینکه چند بیت گفته شود؛ دیگر اینکه نام دقیق کاروانسرا چیست؛ و آخر اینکه به پادشاه وقت تعریضی زده شود یا خیر. ما به پاسخ احتمالی محمدکاظم‌خان مویدالسلطان دسترس نداریم، اما چنانکه از نامهٔ دوم شعاع‌الملک بر می‌آید، او در فاصلهٔ یک روز از طرح این سوالات ماده‌تاریخی برای حاجی میرزا آقاخان عزالملک ارسال کرده است. به‌عبارتی، او ماده‌تاریخ مذکور را در فاصلهٔ یکم تا دوم محرم ۱۳۲۵ق سروده است. در این ماده‌تاریخ صرفاً از «عزالملک» یاد می‌شود، اما در کتیبهٔ احداثی بر «حیدریه» به‌عنوان نام کاروانسرا تصریح شده است.[۱۱]

محمدحسین شعاع‌الملک در مقدمهٔ نامهٔ نخست از نگرفتن دستورالعمل سرایش ماده‌تاریخ «در آن مقام بی‌هنگام» از محمدکاظم‌خان مویدالسلطان عذر خواسته است. منظور از مقام بی‌هنگام برای ما دقیقاً روشن نیست، اما احتمالاً به ناآرامی‌های شیراز پس از حکومت منصورمیرزا شعاع‌السلطنه[۱۲] یا مرگ مظفرالدین‌شاه اشاره کند. در کتیبهٔ احداثی کاروانسرای حیدریه از محمدعلی‌شاه نام رفته است. به‌عبارتی، کتابت و حجاری این کتیبه پس از مرگ مظفرالدین‌شاه (۲٤ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲٤ق) انجام پذیرفته است. این موضوع با تاریخ روی کتیبه (محرم ۱۳۲٤ق) تطابق نمی‌کند. بعید نیست سفارش ماده‌تاریخ به شعاع‌الملک نیز به اواخر این سال باز گردد. به‌هرصورت، به‌نظر می‌رسد، شعاع‌الملک در ساختن ماده‌تاریخ کاروانسرای حیدریه اندکی اهمال کرده است. چه‌بسا، محمدکاظم‌خان مویدالسلطان نیز پاسخ نامهٔ او را نداده باشد. به‌عبارتی، شعاع‌الملک بلافاصله از نامهٔ اول و به‌حساب سفارش اولیهٔ حاجی میرزا آقاخان عزالملک، پیشدستی کرده و ماده‌تاریخی گفته و فرستاده است. به هر ترتیب، به ماده‌تاریخ پیشنهادی شعاع‌الملک التفاتی نشده و او قافیه را به شعرای رقیب باخته است. او، پس از این ماجرا، خطاب به حاجی میرزا آقاخان عزالملک نوشته است: «شنیده شد که دیگران هم در این مورد و زمینه چیزی گفته‌اند. اکنون در عالم دانش بر آن جناب فرض است که گفته‌ها را به میزان خرد سنجیده سخن هر یک کامل‌عیارتر آید، قطع نظر از گوینده، نمایند و همان را امر به نقش و نصب فرمایند. چنانچه در امتیاز آنان

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/9.2.11]

تأملی داشته باشند فقط مصراع ماده تاریخ‌ها را بدون اسم گوینده در ورقه نوشته به ارباب خبرت نمایند تا تصدیق آنان برای جناب‌عالی سند گردد. به هر صورت، بنده فضولاً تاریخ نگفتم. اگر قبول است به مقتضایش عمل نمایند و اگر نکول است تاریخ را رد فرمایند» (شعاع شیرازی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۳۰۰).

شعاع‌الملک تنها به این عریضه بسنده نکرد. او، که خود را محق می‌دانست، در نامه‌ای طعن‌آمیز خطاب به حاجی میرزا آقاخان عزالملک به نقد ماده‌تاریخ‌های دیگری پرداخته که دربارهٔ این کاروانسرا گفته شده بود. ظاهراً علاوه بر میرزا عباس سحاب تهرانی (مؤیدالشعرا)، شاعر ماده‌تاریخ کتیبهٔ احداثی، حیدرعلی نوا ملقب به تاج‌الشعرا (د ۱۳٤۱ق)[۱۳] نیز در این خصوص تطبع کرده بود. در نامهٔ شعاع‌الملک بیت ماده‌تاریخ مویدالشعرا به‌صورت «بعزالملک عزّ و جاه جاوید / بیفزود این رباط حیدریه» ثبت شده و به مجموع ابجد آن اشکال وارد گردیده است. این بیت با آنچه در کتیبهٔ احداثی کاروانسرا آمده است اختلاف دارد. به‌عبارتی، شعاع‌الملک در ضبط ماده‌تاریخ مویدالشعرا اشتباه کرده و طبعاً ایراد او بی‌مبنا بوده است. میرزا حیدرعلی نوا ملقب به تاج‌الشعرا نیز ماده‌تاریخ کاروانسرای حیدریه را در «کند از خوبی عز ملک تمجید» دیده بود. حساب ابجد این مصراع برابر ۱۳۲٤ می‌شود. شعاع‌الملک گفته است که این ماده‌تاریخ خبری بدون مبتداست. به‌عبارتی، در مقدمهٔ آن از بانی سخن نرفته و از او تمجید نشده است. وانگهی، الف‌ولام والی از لقب بانی افتاده و تخفیف یافته است. شعاع‌الملک، بنا به پیش‌فرضی که داشت، سال پایان معماری کاروانسرا را ۱۳۲۵ق می‌دانست. از همین رو، به مجموع ابجد این ماده‌تاریخ نیز ایراد گرفته و آن را یک عدد کم دانسته است. او پس از پیگیری‌های مذکور و ناکامی در جلب رضایت بانی به هجو روی آورده و مجدداً ماده‌تاریخی بر همان وزن و قافیه و ردیف سابق ساخته و حاجی میرزا آقاخان عزالملک را نواخته است:

به اتمام سرای حاج عزّالملک ذلت‌جو
سرودم ماده تاریخی که اندر جمع یکتا شد
چو درک آن سخن ناکرد باید مُرده‌اش خوانم
که مردن بهتر از این زندگانی‌های بیجا شد
به جزئی انحرافی نیز آن تاریخ را گفتم
«به دهید این سرای از مرگ عزّ الملک برپا شد»

شعاع‌الملک از معاملهٔ اشیاء عتیقه امرار معاش می‌کرد. مدح نیز می‌گفت و صله می‌گرفت. دیوان او مملو از مدایحی است که بدین طمع سروده شده است. او و برخی اعضای خاندان قوام‌الملک، ازجمله محمدرضاخان قوام‌الملک، حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک، محمدعلی‌خان نصرالدوله، ابراهیم‌خان قوام‌الملک، و میرزا ابوالقاسم‌خان نصیرالملک را بارها مدح کرده است. حاجی میرزا آقاخان عزالملک نیز از ممدوحان او بوده است. ازطرفی، او ذاتاً آدمی تندخو بود و استبداد عقیده داشت. در شاعری نیز خود را تافتهٔ جدا بافته می‌دانست و نسبت به دیگران اظهار برتری می‌کرد. صاحب *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*، که با او حشر و نشر داشت، می‌گوید که «جز انتقاد و بدگویی از شعرا و نویسندگان معاصر ایران عموماً و شیراز خصوصاً» نمی‌گفت (رکن‌زادهٔ آدمیت، ۱۳۳۹: ۲٦۹/۳). او، اگر از کسی کدورتی پیدا می‌کرد، به هجو روی می‌آورد. همان‌طور که پیش از این گفته شد، از هجو ممدوحان خود نیز ابایی نداشت. با این

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/9.2.11]

حساب، به نظر می‌رسد، شعاع‌الملک بی‌اعتنایی حاجی میرزا آقاخان عزالملک، به ماده‌تاریخی که برای کاروانسرای حیدریه گفته بود، را بر نتافته و به هجو دست برده است. با این همه، شعر مایهٔ کسب شعاع‌الملک بود. او چند سال بعد در وصف تأسیس مریض‌خانهٔ خیریهٔ حاجی میرزا آقاخان عزالملک، موسوم به «حیدریه»، ماده‌تاریخی مفصل سروده است.[۱۴]

نتیجه‌گیری

کاروانسرای حیدریهٔ دهبید از مآثر حاجی میرزا آقاخان عزالملک است. نام کوچک حاجی میرزا آقاخان «حیدرعلی» بود و وجه‌تسمیهٔ کاروانسرا به این نام باز می‌گشت. او پس از سفر ناموفق خود به عتبات عالیات و برف‌گیرشدن در دهبید مصمم شد تا در این منطقه کاروانسرایی بسازد. کاروانسرای حیدریه چهارایوانی است و بر روی خرابه‌های کاروانسرای صفوی دهبید ساخته شده است. معمار این کاروانسرا نیز محمدباقر معمارباشی بوده است.

تاریخ بنای کاروانسرای حیدریهٔ دهبید در کتیبهٔ احداثی محرم ۱۳۲٤ق درج شده، اما نام محمدعلی‌شاه بر آن رفته است. بنابراین این کتیبه نمی‌تواند پیش از جلوس محمدعلی‌شاه (۲٤ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲٤ق) تهیه شده باشد. ماده‌تاریخ روی کتیبهٔ احداثی نیز همین سال را نشان می‌دهد. این ماده‌تاریخ سرودهٔ میرزا عباس سحاب تهرانی ملقب به موید‌الشعراست. به نظر می‌رسد، میرزا آقاخان عزالملک سرودن ماده‌تاریخ کاروانسرا را به شاعران دیگری، از جمله حیدرعلی نوا و محمدحسین شعاع‌الملک، نیز سفارش کرده است. از این میان، ماده‌تاریخ پیشنهادی محمدحسین شعاع‌الملک با ۱۳۲۵ق برابر می‌شود. او در اوایل همین سال با میرزا آقاخان عزالملک و محمدکاظم‌خان موید‌السلطان مکاتباتی داشته و دربارهٔ نام کاروانسرا، تعداد ابیات، و تضمین نام محمدعلی‌شاه قاجار در نظم ماده‌تاریخ استفسار نموده است. با این حال، محتوای ابیات ماده‌تاریخ او نشان می‌دهد که نه از نام انتخابی برای کاروانسرا خبر داشته و نه تاریخ دقیق ساخت را می‌دانسته است. او همچنین تلاش کرده تا با نقد مواد تاریخی دیگران از ماده‌تاریخ پیشنهادی خود دفاع کند. با این حال، بیشتر ایرادهای او در این‌باره نارواست، مثلاً چون بیت ماده‌تاریخ مؤیدالشعرا را اشتباه برداشت کرده، حساب ابجد آن را نادرست دانسته است. به هر ترتیب، شعاع‌الملک در جلب توجه بانی کاروانسرا ناکام مانده است. علت اصلی این موضوع به سهل‌انگاری او در سرودن و ارسال به‌موقع ماده‌تاریخ باز می‌گردد. شعاع‌الملک در منشات خود تلویحاً به این کوتاهی اشاره کرده، اما از پیگیری موضوع نیز منصرف نشده است. ماده‌تاریخ دوم او، که با چاشنی قدح گفته شده، نتیجهٔ ناکامی در این پیگیری است.

پی‌نوشت‌ها

۱. چالز تکسیر در این سال برای دیدن پاسارگاد و تخت‌جمشید از اصفهان به سمت شیراز حرکت کرد و یک شب را در دهبید گذرانید. او می‌گوید دهبید کاروانسراهای متعددی دارد، اما همگی خرابه و غیر قابل استفاده هستند.

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/9.2.11]

۲.

«ولی‌سلطان غلام شاه‌طهماسب
که باشد در پناه لطف معبود
بدین خوبی عمارت‌ها که بینی
برای خیر همّت کار فرمود
امیرالمؤمنین بنهاد طرحش
غلام خویش را سرکار فرمود
نشان ختم نامش گفت هاتف
علی بیک حسینی ابن محمود
اگر پرسند تاریخ بنایش
بگو در نهصد و هفتاد و دو بود»
(منشی، ۱۳۸۹: ٤٢).

۳. شاه ولی سلطان ذوالقدر، فرزند علی‌سلطان تاتی اغلی ذوالقدر (د ۹٦۵ق)، در فاصلهٔ سال‌های ۹٦۵–۹۷۳ق حاکم فارس بود (نک: منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱–۲/ ۳۹۷، ٤٥٦، ۹۸۹؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱–٤۰٦/۲–٤۱۷، ۱۲۸۰).

۴. ظاهراً تا چندی پیش هنوز آثاری از کاروانسرای قدیمی باقی بوده است.

۵. این نامه در فهرست کتابخانهٔ دانشگاه تهران به‌اشتباه فرمان لقب «مؤیدالشعرا» به میرزا عباس سحاب تهرانی از طرف میر محبوب‌علی‌خان و راجه کشن پرشاد تلقی شده است و در بیان نام مولف آن نیز دقت کافی صورت نپذیرفته است (تهران: دانشگاه تهران، شـ ۷۵۷٦/۱۳). مویدالشعرا اشعاری نیز در مدح حامیان خود در حیدرآباد دکن سروده است.

۶. نک: مؤیدالشعرا، *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ٦۰؛ مؤیدالشعرا، *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۲۵۳۵؛ مؤیدالشعرا، *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۱۲۸۲۸.

۷. دربارهٔ او نک: شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۵۳۵–٦۳٦؛ فرصت شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۹۳؛ داور شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۰۰–۳۰۵؛ رکن‌زادهٔ آدمیت، ۱۳۳۹: ۲٦۸/۳–۲۸۵؛ امداد، ۱۳۸۸: ۲۳۳–۲۳۸.

۸. زیر این عناوین: «تاریخ بنای کاروانسرای حاجی عزالملک در ده‌بید فارس» (شعاع شیرازی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۲۹۹)، «تاریخ اتمام سرای حاجی عزالملک در ده‌بید» (شعاع شیرازی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۳۰۰)، و « تاریخ کاروانسرای عزالملک در ده‌بید» (شعاع شیرازی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۳۰۳).

۹. معدلت‌جو (شعاع شیرازی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۲۹۹).

۱۰. محمدکاظم‌خان مؤیدالسلطان به‌احتمال همان محمدکاظم‌خان قوامی باشد که پس از وفات پدرش، محمدصادق‌خان مستشارالسلطنه، به مستشارالسلطنهٔ دوم مشهور شد، و لقب مؤید السلطان را به پسرش فتح‌الله‌خان انتقال داد. او برادرزادهٔ ابوالقاسم‌خان نصیرالملک بود (نک: *رجال فارس در واپسین دورهٔ قاجار*، ۱٤۰۰: ۱۱۱).

۱۱. مریض‌خانه‌ای که عزالملک چندسال بعد ساخت نیز به حیدریه موسوم گشت (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۷). به قول محمدحسین شعاع‌الملک:

«به حیدریه مسمّی به نام خویشش کرد
که تا بگردد نامش به نیکوئی مقرون»
(*دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۳۰۰).

۱۲. منصورمیرزا شعاع‌السلطنه در مدت حکومت فارس (۱۳۲۲–۱۳۲۳ق) بر اراضی مرغوب شیراز دست انداخت و خصوصاً در تصرف املاک کریم‌خانی (ارگ و بازار و حمام و غیره) پافشاری کرد. این قضیه موجب اعتراض شدید مردم شیراز شد و تا مدت‌ها بعد از برکناری او نیز ادامه یافت (نک: شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۷۹–۱۳۰؛ نصیری طیبی، ۱۳۸٦: ۸–۱۳). این دوران با آغاز مشروطه‌خواهی نیز مصادف بود.

۱۳. حیدرعلی نوا فرزند محمدمهدی آسودهٔ شیرازی بود. او لقب تاج‌الشعرا را از محمدتقی رکن‌الدوله گرفت. در

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/9.2.11]

تذکرهٔ *شعرای دارالعلم شیراز* آمده است که او قصیدهٔ سلام حکام را در اعیاد می‌خواند. نوا روزنامه‌نگاری نیز می‌کرد و در روزنامه‌های وقت شیراز، مثل ندای اسلام و انجمن اخوت و ناهید، فعالیت داشت. او در ربیع‌الثانی ۱۳٤۱ق درگذشت و در حافظیه دفن شد (نک: فرصت شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۱۵؛ فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۹۲۲/۲؛ رکن‌زادهٔ آدمیت، ۱۳٤۰: ۷۲۲/٤–۷۲٦؛ پروین، ۱٤۰۲: ۱۲٤–۱۳٤).

۱۴. با مصرع تاریخ «شفا بجوی ز قانون خالقی بی‌چون» (شعاع شیرازی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی). ش ۳۰۰).

کتابنامه

ابن بلخی (۱۳۷٤). *فارسنامه*، تصحیح لسترنج و نیکلسون، تحشیهٔ منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳٤۰). *مسالک و ممالک*، تصحیح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

امداد، حسن (۱۳۸۸). *انجمن‌های ادبی شیراز* (از اواخر قرن دهم تا به امروز)، شیراز: نوید شیراز.

امداد، حسن (۱۳۸۷). *فارس در عصر قاجار*، شیراز: نوید شیراز.

امینی، هوشنگ (۱۳۹۵). «کاروانسرای دهبید» (مصاحبه). به‌کوشش نسیم فرهمند (منتشرنشده).

پروین، ناصرالدین (۱٤۰۲). «تاج‌الشعرای شیرازی شاعر روزنامه‌نگار»، *بخارا*، ۱۵٦: ۱۲٤–۱۳٤.

حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲). *فارسنامهٔ ناصری*، ۲ج، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

داور شیرازی، مفید بن محمدنبی (۱۳۷۱). *تذکرهٔ مرآت الفصاحه*، تصحیح محمود طاووسی، شیراز: نوید شیراز.

دو سفرنامه از جنوب ایران در سال‌های ۱۲۵٦–۱۳۰۷ق (۱۳۷۷). تصحیح سید علی آل‌داوود، تهران: امیرکبیر.

رجال فارس در واپسین دورهٔ قاجار: حکومت بریتانیا در هند (۱٤۰۰). ترجمهٔ کاوه بیات، تهران: شیرازهٔ کتاب ما.

رضایی، امید (۱۳۸۲). «پیشگامان راه‌اندازی سه مریضخانهٔ مجهز در شیراز»، *وقف میراث جاویدان*، ٤۱–٤۲: ۱٦–۲٤.

رکن‌زادهٔ آدمیت، محمدحسین (۱۳۳۹). *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*، ج۳، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.

سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی (۱٤۰۰). *سفرنامه: التدقیق فی سیر الطریق*، تصحیح و تحشیهٔ احمد اقتداری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

سیاح، محمدعلی بن محمدرضا (۱۳۵٦). *خاطرات حاج سیاح یا دورهٔ خوف و وحشت*، تصحیح سیف‌الله گلکار، به‌کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر.

سیرو، ماکسیم (۱۳۲۸). *کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها*، ترجمهٔ عیسی بهنام، تهران: سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران.

شعاع شیرازی، محمدحسین (۱۳۸۰). *تذکرهٔ شعاعیه*، تصحیح محمود طاووسی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

شعاع شیرازی، محمدحسین. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی)، تهران: دانشگاه تهران، ش ۲۹۹.

شعاع شیرازی، محمدحسین. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی)، تهران: دانشگاه تهران، ش ۳۰۰.

شعاع شیرازی، محمدحسین. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی)، تهران: دانشگاه تهران، ش ۳۰۳.

شفیعی سروستانی، مسعود (۱۳۹۰). *فارس در جنبش مشروطه‌خواهی*، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

شوارتس، پاول (۱۳۸۲). *جغرافیای تاریخی فارس*، ترجمهٔ کیکاوس جهانداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

عبرت نائینی، محمدعلی (۱۳۸۷). *تذکرهٔ انجمن قدس: مجموعهٔ اشعار در مدح حضرت ولی عصر و بزرگداشت نیمهٔ شعبان در اواخر دورهٔ قاجار*، ج۱، تصحیح و پژوهش: ابوالفضل مرادی، قم: مسجد مقدس جمکران.

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/9.2.11]

فرصت شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۷). *آثار عجم*، ج۲، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

فرصت شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۵). *تذکرهٔ شعرای دارالعلم شیراز*، تصحیح منصور رستگار فسایی، شیراز: دانشگاه شیراز.

«فرمان به خط علی بن ابی الحسن الموسوی درباره لقب میرزا عباس‌خان موید الشعرا» (سند خطی)، تهران: دانشگاه تهران، ش ۷۵۷۶/۱۳.

منشی‌زادهٔ یزدی، محمدحسین (۱۳۷۱). *سفرنامه*، به‌کوشش محمدباقر منشی‌زاده، یزد: رامین.

منشی، محمدعلی (۱۳۸۹). «*هدایه السبیل*: شرح منازل میان تهران تا شیراز»، تصحیح رسول جعفریان، *پیام بهارستان*، ۸: ۲۱-۶۵.

منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳). *خلاصهٔ‌التواریخ*، ۲ج، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.

مؤیدالشعرا، میرزا عباس سحاب تهرانی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی)، تهران: کتابخانهٔ دانشگاه تهران، ش ۲۵۳۵.

مؤیدالشعرا، میرزا عباس سحاب تهرانی. *دیوان شعر* (نسخهٔ خطی)، شیراز: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران (مرکز فارس)، ش ۶۰.

مؤیدالشعرا، میرزا عباس سحاب تهرانی. دیوان شعر (نسخهٔ خطی)، مشهد: کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، ش ۱۲۸۲۸.

میرزاابوالقاسمی، محمدصادق (۱۴۰۳). *طاق مینا: تاریخ معماری مدرسهٔ خان شیراز* (منتشرنشده).

نخجوانی، حسین (۱۳۴۳). *مواد التواریخ*، تهران: کتاب‌فروشی ادبیه.

نصیری طیبی، منصور (۱۳۸۶). *انقلاب مشروطیت در فارس*، تهران: وزارت امور خارجه.

یزدان‌پناه، فروغ (۱۳۴۲). «تاریخچهٔ تأسیس دبیرستان ناظمیه». *سالنامهٔ دبیرستان ناظمیه*، شیراز: چاپ فولادوند.

Texier, Charles (1852). *Description de l'Armenie, la Perse et la Mesopotamie*, Vol. 2, Paris: Typ. de F. Didot frères.

[Downloaded from golestanehonar.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/9.2.11]